

نقش کودکان طلاق در تولید جرم

□ محمدآصف افتخاری *

چکیده

والدین، به عنوان عضو کوچک ولی مهم جامعه، نقش اساسی در تعیین سرنوشت فرزندان دارد؛ اما یکی از پدیده‌های نامیمونی که شالوده خانواده و فرزندان را تهدید می‌کند؛ طلاق و بگومگوهای ناشی از آن، می‌باشد. در این بین، کشانده شدن کودکان به ولگردی و ارتکاب جرائم از قبیل تکدی‌گری، مواد مخدر، استثمار کاری، سوءاستفاده جنسی و... از اثرات مهم طلاق می‌باشد که عوامل متعدد چون نفس اختلاف والدین، کمبود محبت، بی‌پناهی کودکان طلاق، دلسردی و محرومیت آنان؛ زمینه‌ساز تولید و ارتکاب جرائم توسط کودکان طلاق خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: کودک، طلاق، تولید جرم.

مقدمه

بدون تردید والدین، به عنوان واحد کوچک جامعه، نخستین حامی و راهنمای فرزندان بوده و نقش اساسی در پیشگیری و تولید جرم دارند و ناثباتی و ناپایداری والدین، اثرات مخرب، بر اعضای خانواده خواهد داشت.

خانواده‌هایی که در آن به جای بهره‌مندی از فروغ محبت، با تنش‌ها مواجه باشند، آینده کودکان این خانواده‌ها را انواع بزهکاری‌ها، طغیان‌ها، انجام دادن اعمال شنیع و جنایات و عمل منفی عفت و دزدی و... تهدید می‌کند که این امور هم زاده محرومیت عاطفی هست که معمولاً از تیرگی روابط والدین ناشی می‌شود.

یکی از پدیده‌های نامیمون در زندگی امروزی که این کانون پرورش کودکان و جوانان را تهدید می‌کند پدیده حلال ولی مبغوض و نامیمون طلاق است؛ بدون تردید، این مبغوضیت، حکمت‌هایی دارد که ممکن است یکی از حکمت‌های این حلال مبغوض، اثرات منفی فروپاشی خانواده بر کودکان طلاق باشد که این امر، اثرات روانی و اجتماعی منفی را بر کودکان تحمیل خواهد کرد و زمینه ارتکاب جرم توسط این‌گونه کودکان، بیش از دیگران فراهم خواهد شد؛ حال یا مستقیماً توسط خود این افراد یا از طریق به‌کارگیری در ارتکاب جرم توسط شیادان و افراد فرصت‌طلب.

البته مضرات طلاق نسبت به کودکان، محدودیت سنی هم ندارد، به تعبیر برخی از نویسندگان «کودکی که پدر و مادرش پیش از سه‌سالگی او از هم جدا شده‌اند... نوزادان... نسبت به تغییرات محیط خود هشیار هستند؛ کودکی که نداند چه خبر است، وجود ندارد. (نیومن گری NEUMAN. M. QARI، فرزندان طلاق از نوزاد تا هفده سال، مترجم: فرناز فرود/ ۲۲/۱۳۸۵)

آنچه تأسف برانگیز است اینکه متأسفانه در زندگی شهری و پرزرق و برق کنونی که عمدتاً متأثر از فضای مجازی و تبلیغات مسموم رسانه‌ای و... مشکلات خانوادگی که منجر به طلاق می‌گردد به مراتب فراوان‌تر از قبل شده است.

این نوشتار در ضمن سه گفتار که هر گفتار متضمن ریز مجموعه‌هایی هست، ارائه می‌گردد.

گفتار اول: عوامل ارتکاب جرائم

الف) اختلاف والدین قبل از طلاق

کودکان و نوجوانان، برای رشد فکری و آینده درخشان تر، نیازمند محیط آرام و فضای سالم در کنار والدین می‌باشند.

اساساً باید بگویم اینکه قرآن کریم، یکی از ثمرات و اهداف عالیّه ازدواج را رسیدن به سکونت و آرامش معرفی نموده است و با عبارت موجز «**لَتَسْكُنُوا اليها**» (روم/۲۱) به آن پرداخته است را اگر با دقت، تحلیل کنیم با توجه به اینکه نتیجه همین سکونت زوجین کنارهم، انعقاد و تولد فرزند می‌باشد و اساساً وجود و حضور فرزندان در زندگی زوجین، نقش ارزنده و سهم بسزایی در ایجاد چنین سکونت و آرامش دارند؛ تردیدی وجود ندارد که در خانواده‌ای که زوجین به هر دلیل باهمدیگر ناسازگاری دارند و بگومگوهای تند و نامطلوبی را ردوبدل می‌کنند، این خود، موجب اختلال روانی و تربیتی کودکان و زمینه‌ساز پیدایش روحیه خشونت‌آمیز و پرخاشگری را در کودک را ایجاد و تقویت می‌کند که همین روحیه نامطلوب، اگر به موقع درمان نگردد، خود، زمینه‌ساز جرائم و مشکلات خواهد شد. کودک خشن، در مدرسه، خیابان، منزل و... به ناسازگاری با اطرافیانش خواهد پرداخت که این ناسازگاری ممکن است در سنین کودکی او را به سمت جرائم جرائح، دعاوی و... بکشاند و در بزرگسالی به جرائم بسیار سنگین و خشونت‌ها و حتی قتل‌های خواسته یا ناخواسته، رهنمون سازد. (برداشت نویسنده)

هم‌چنین اساساً باید گفت به‌طورکلی در مورد این هشدار قرآنی که می‌فرماید: «**ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم**» (انفال/۴۶) یعنی باهم اختلاف نکنید که ابهت و اقتدارتان از بین می‌رود؛ می‌توان گفت این هشدار، شامل اختلافات خانوادگی خفیف و شدید که منجر به طلاق می‌گردد هم خواهد شد که در خانواده این‌چنینی معمولاً نه پدر ابهت و اقتدار لازم را نزد فرزندش دارد و نه مادر حرفی برای گفتن و نصیحتی بر ارائه دادن دارد که در صورت نبود ابهت پدرانه و نصیحت مادران، فرزندان راهی را خواهند رفت که منجر به ناسلامتی، بدبختی و گمراهی‌شان خواهد شد. (برداشت نویسنده)

باید توجه داشت که در خانواده‌ای که در آن از طلاق سخن گفته شود و جروبحث داشته باشند ولو اینکه منجر به طلاق فیزیکی نشود و صرفاً طلاق عاطفی صورت بگیرد؛ دیگر کلام و نصایح هیچ‌کدام از والدین بر کودکان خصوصاً کودکان این عصر و زمانه، نه تنها اثر مفید ندارد بلکه اثر معکوس را منتقل خواهد کرد و کودکان این واقعیت را به راحتی درک نموده و به والدین خواهد گفت پدرم! مادرم! اگر شما اهل نصیحت می‌بودید خودتان همدیگر را نصیحت و اصلاح می‌کردید؛ که در صورت عدم وجود نصیحت در زندگی و در صورت عدم پذیرش این نعمت معنوی، حرکت فرزندان به سوی ارتکاب جرم، روند افزایشی خواهد داشت.

اینکه برخی از والدین، شدیدترین جروبحث‌های قبل از طلاق را در حضور کودک انجام می‌دهند با این دید که او کودک است و چیزی نمی‌فهمد، برخلاف دستورات، فرامین و روایات اسلامی و مغایر با دست‌آوردهای روانشناسی می‌باشد.

به تعبیر برخی از روانشناسان: «محیط خانواده رابطه مستقیمی با بروز رفتار انحرافی و ارتکاب جرم دارد و ازهم‌گسیختگی خانواده غالباً منجر به فرار کودکان از منزل، مدرسه و ولگردی می‌شود.» (سایت شفا آنلاین، تاریخ انتشار: ۰۷: ۳۰ - ۲۳ بهمن ۱۳۹۴ - February 12 2016)

ب) کمبود محبت

قاعده فلسفی و معروف «فاقد شیئی معطی شیئی نمی‌شود» از قواعدی هست که حتی در امور روزمره و مسائل خانوادگی هم قابل اجرا است؛ والدینی که قدرت جذب محبت همدیگر را نداشته باشند و زندگی پرتنش و مضطرب را تجربه نمایند، به حدی که منجر به طلاق و جدایی میان آنان گردد، چنین والدینی و چنین زندگی تنش‌زا، بعید است که محبت را به فرزندانش منتقل نمایند که این محرومیت از محبت، آسیب‌پذیری کودک را مضاعف می‌سازد؛ او که محروم از محبت بوده و والدین که محبت‌های ظاهری‌شان را جهت آزار طرفین و خود شیرینی برای کودک اعمال نمایند، کودک محبت ندیده، به هر قیمتی که شده درصدد جلب محبت دیگران خواهد بود که در مسیر ممکن است سر از ارتکاب جرائم درآورد.

نکته اساسی در این زمینه اینکه برخی گمان می‌کنند که با وجود طلاق، صرف بودن کودک در کنار مادر یا پدر، کاستی‌ها را جبران می‌کند در حالیکه این دو موجود در کنار هم، زندگی را به کودکان می‌آموزند و مکمل رشد کودکان بوده و زمینه حضور سالم کودک در اجتماع متلاطم را فراهم می‌کنند. مادر مهربان، باعاطفه و محبت؛ آرامش و شکیبایی را به کودک تلقین می‌کند درحالی‌که پدر با بازی‌های پدرانانه، بلند کردن کودک روی دست و بر شانه حمل کردن و... اعتماد به نفس و خطر کردن را به کودک آموزش می‌دهد.

ج) گوشه‌گیری و بی‌پناهی

کودکان طلاق که در عالم کودکی، گاهی خود و گاهی پدر و گاهی مادر را مقصر و سبب جدایی از والدین می‌دانند، نتیجتاً به هیچ‌کسی اعتماد نکرده و احساس تنهایی و گوشه‌گیری و به نوعی به دنبال پناهگاهی برای رسیدن به آرامش خواهد بود که این پناهگاه، اماکن دیگر بیرون از منزل خصوصاً مهد و مدرسه خواهد بود؛ به تعبیر برخی از نویسندگان «برای کودکان طلاق، مدرسه، اهمیت بیشتری دارد؛ برای بعضی از کودکان، ظاهراً مدرسه، تنها بخشی از زندگی‌شان است که بر اثر طلاق تغییر یافته است... برای کودکانی که دچار بحران شده‌اند مدرسه می‌تواند یک پناهگاه باشد» وقتی که کودکان طلاق، دلگرمی‌شان را با حضور در مدرسه جبران نمایند؛ بعد از دوران مدرسه، موفقیت خود را در خارج از منزل و حتی مراکز جرم‌خیز خواهد دید که این خود نقش اساسی در جرم‌زایی خواهد داشت.

همان تعبیری که در رابطه با بزرگسالان آمده است و آنان را از ماندن در تنهایی بر حذر داشته است در مورد کودکان نیز صادق است.

د) دل‌سردی و کاستی‌ها

بدون تردید هرچه قدر کانون خانواده، گرم‌تر و صمیمی‌تر باشد، موجب دلگرمی بیشتر برای کودکان خواهد بود، بنائاً کودکان طلاق که طبعاً از محبت والدین بی‌بهره ماندند، درصدد جبران این کاستی و کمبود برآمده و ممکن است برای جبران این کاستی دست بر هرگونه اقدام و حتی جرائم سنگین بزنند.

گفتار دوم: انواع جرائم

تردید وجود ندارد که برای کودکان و نوجوانان، تحصیل، یکی از اساسی‌ترین زمینه‌ساز ایجاد موفقیت می‌باشد. کما اینکه محرومیت از تحصیل، می‌تواند خود زمینه ورود به بسیاری از جرائم را هموار سازد. به تعبیر بری از نویسندگان «برای موفقیت در تحصیل به ذهن پرمهر و آرام نیاز است و طلاق می‌تواند در این جبهه آشوب به پا کند» (تأثیر طلاق بر فرزندان، ص ۹۸) لذا «طلاق‌هایی که خوب مدیریت نشده‌اند، تأثیر بلندمدت بدی بر فرزندان دارند» (لودیس گلد، سلامت روانی طلاق/ مترجم: مجید رییس دانا، ۱۱۷/۱۳۹۵) کودکان طلاق، عموماً با عصبانیت و احساس شکست وارد بزرگسالی می‌شوند و این احساس، ممکن است منجر به ارتکاب جرائم متعدد گردد که نمونه‌های از آن ذیلاً ذکر می‌شود.

الف) تکدی

تکدی که به معانی حاجت‌خواهی از این‌وآن در کوی و برزن، گدایی، طلب و استدعا کردن آمده است. (علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه/ ۸۶۹/۱۵) در اصطلاح حقوقی «متکدی عبارت است از حاجت‌خواهی از همگان درملاءعام، با زیرپا گذاشتن شئون اجتماعی و انسانی به‌منظور نیاز مادی است.» (کلیات پیش‌نویس لایحه مبارزه با تکدی و ولگردی. فصل اول.)

به تعبیر برخی از حقوقدانان، اطفال خیابانی به‌عنوان مهم‌ترین سبب انتخابی برای ارتکاب این جرم محسوب می‌شوند و عواملی مختلفی دارد که جریان نامیمون طلاق یکی از این عوامل می‌باشد. مصادر فقهی و منابع حقوقی بر جرم بودن عمل تکدی و به‌خصوص استفاده ابزاری از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست برای تکدی‌گری، تأکید شده است و ذیلاً عناصر تشکیل‌دهنده این عمل مجرمانه را بررسی می‌گردد.

۱. عناصر تشکیل‌دهنده جرم

عنصر قانونی: قانون مجازات ایران مصوب ۱۳۹۲ - که جدیدترین قانون نافذ هست در این باب مقرر داشته است: «هرکس طفل صغیر یا غیر رشیدی را وسیله تکدی قرار دهد... به سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کلیه اموالی که طریق مذکور به دست آورده است،

محکوم خواهد شد.» (هوشنگ شامیبانی، مجازات ایران (۹۲)، ماده ۷۱۳) و از منظر قانون افغانستان: «محکمه می‌تواند قرار سرپرستی طفل را... در موارد ذیل لغو و سرپرست را طبق احکام قانون مجازات نماید [که چهارمین مورد آن] صورت اجبار طفل به عمل گدایی [می‌باشد]» (قانون سرپرستی اطفال، ماده ۲۱) بسیار واضح است که این دو ماده، بر جرم بودن عمل تکدی و مجرم بودن عاملین آن، تأکید ورزیده و از این حیث عنصر قانونی سوءاستفاده از کودکان بی‌سرپرست و کودکان طلاق، در عمل تکدی‌گری، تمام بوده و جایی تردید و بحثی باقی نمی‌ماند.

عنصر مادی: بر اساس ماده مذکور، عنصر مادی این جرم را عمدتاً کودکان (اعم از کودکان صغیر یا غیر رشید) تشکیل می‌دهند.

عنصر معنوی: عنصر معنوی هم سوءنیت عامی می‌باشد که در این مورد در قالب بهره‌گیری از کودکانی بروز نموده است؛ که هم منجر به محرومیت از تحصیل آنان شده و هم زمینه فساد، فحشا و لاپرواہی‌گری‌شان را فراهم آورده است. چون کودکانی که به تکدی‌گمارده می‌شوند، تکوُن شخصیتی‌شان در محیط محقّر شکل می‌گیرد و باروحیه‌ای قدم در جامعه بزرگ‌سالی می‌نهند که ارتکاب جرم، برایشان آسان‌تر بوده و آن را نوعی درآمدزایی قلمداد می‌کنند. پس بهره‌گیری از این‌گونه کودکان ولو علی‌الظاهر در قالب کمک به آنان بروز نماید؛ گناه نابخشودنی و خلاف قوانین و مقررات موضوعه به حساب می‌آید.

از منظر فقه اهل‌بیت علیهم‌السلام، عمل تکدی و گدایی از اعمال پست و مرجوح محسوب شده است. مرحوم کاشف‌الغطاء در عبارتی، تکدی را مکروه اعلام نموده و فرموده است: «وقد ترجح فیکون مکروهاً کالاکتساب من الطرق الخسیسة کالتسول و التکدی و نحوهما» (محمدحسین کاشف‌الغطاء، وجیزة الأحکام، ۲/۲/۱۳۶۶) یعنی گاهی افعال، مرجوح و در نتیجه مکروه می‌باشد، مانند کسب از راه پستی و خست، چون سؤال، تکدی‌گری و... ولی ایشان در جای دیگر، تکدی توسط افرادی که توان کسب از راه‌های آبرومندانه دارند را حرام دانسته و می‌گوید: «کحرمة التکسب بالسؤال و التکدی علی القادرین علی تحصیل المال من الطرق المتعارفة.» (همان/۱۴۱) بنابراین از باب سبب و مسبب، کسانی که اطفال معصوم و

نیازمند را به چنین اعمالی می‌گمارند، حرمت عمل شان از باب تعاون بر اثم خواهد بود که به نوعی آینده درخشان کودکان این چینی را به بازی و سخره می‌گیرند.

قانون ایران در مورد کودکانی که نوعاً کودکان طلاق می‌باشند، مورد سوءاستفاده در طریق تکدی قرار می‌گیرند؛ نسبت به سوءاستفاده کنندگان، هم از مجازات و تعزیم جسمی بهره برده است و هم زجر روحی را ملاک کار قرار داده است. قانون در این باب مقرر داشته است: «هرکس طفل صغیر یا غیر رشیدی را وسیله تکدی قرار دهد... به سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کلیه اموالی که طریق مذکور به دست آورده است محکوم خواهد شد.» (هوشنگ شامیبانی، قانون مجازات اسلامی (۹۲) ماده ۷۱۳)

هم‌چنین قانون مدنی ایران درباره فرزندان آن عده از والدین که بر اثر انحطاط اخلاقی یا عدم مواظبت، دچار صدمه جسمی یا اخلاقی می‌شوند؛ تصمیم حضانت را به حوزه قضایی سپرده است؛ که در صورت لزوم، دادگاه می‌تواند از والدین این چینی رفع حضانت کند؛ و یکی از موارد انحطاط اخلاقی را «سوءاستفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد، فحشا و تکدی.» (جهانگیر منصور، قانون مدنی، ماده ۱۱۷۳) معرفی کرده است.

قوانین افغانستان هم در این باب مقرر داشته است که محکمه، می‌تواند قرار سرپرستی طفل را که به طور رسمی و مطابق احکام مندرج قانون سرپرستی کودکان، صادر گردیده است؛ در مواردی از جمله در صورت اجبار طفل به عمل گدایی، لغو نموده و سرپرست را طبق احکام قانون، مجازات نماید (قانون سرپرستی اطفال، ماده ۲۱)

ب) مواد مخدر

در عصر کنونی، به لحاظ پیدایش انواع مواد مخدر، محرک و روان‌گردان استفاده از کودکان و نوجوانان برای مصرف، قاچاق و پخش آن در جامعه، بیش از سایرین صورت می‌گیرد؛ که در این بین کودکان خیابانی، کودکان کار، کودکان ولگرد و... که عمدتاً کودکان طلاق می‌باشند، به‌عنوان آسیب‌پذیرترین قشر جامعه، بروز و نمود پیدا می‌کند - بیش از سایر کودکان، در معرض سوء بهره‌های این چینی قرار دارند. (قانون افغانستان دقیقاً ۲۶۶ نوع از نباتات، مواد و

مرکبات را با نگاهی بر شدت و ضعف حالت تخدیری آنها، طی چهار جدول، ضمیمه قانون مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر و کنترل آن، به عنوان مواد مخدر و مسکر معرفی نموده و برای استفاده، حمل و قاچاق هرکدام، مجازات متناسب با اندازه حالت تخدیر آنها در نظر گرفته است (قانون مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر و کنترل آن (مصوبه ۱۳۸۸/۹/۳، نشر ۱۳۸۹/۳/۲۴ ش ۱۰۲۵) مواد بیشتر در: ماده ۱۹ قانون مذکور مواد: ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۹))

۱. عناصر تشکیل دهنده جرم

عنصر قانونی: از منظر قانون ایران هرکسی که اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال را به هر نحو، به ارتکاب هر یک از جرائم مربوط به مواد مخدر وادار کند؛ به یک و نیم برابر حداکثر مجازات قانونی همان جرم و در مورد حبس ابد، به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم، محکوم می شود. (حمید عسکری پور، قوانین و مقررات مواد مخدر، مجلد، ۱۳۹۴/۲۵ / ماده ۳۵) قانون افغانستان هم مقرر داشته است: «هرگاه شخص اعمال آتی را مرتکب شود، حسب احوال به حبس طویل که از هشت سال بیشتر نباشد محکوم می گردد: ۱... ۲. استخدام یا به کار گماشتن طفل، به منظور ارتکاب جرم قاچاق مسکرات و مواد مخدر.» (وزارت عدلیه/قانون مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر و کنترل آن (مصوبه ۱۳۸۸/۹/۳ / ۱۳۸۹/۳/۲۴ / ماده ۵۵) **عنصر مادی:** واژه "اطفال و نوجوانان" در بردارنده کودکان، اعم از کودکان طلاق، بی سرپرست می باشد که نوعاً کودکان طلاق در معرض اعتیاد، سوءاستفاده و بهره‌وری در زمینه مواد مخدر قرار می گیرند.

عنصر روانی: عنصر روانی این جرم هم سوءنیت خاص به منظور قاچاق و توزیع توسط کودکان، می باشد و این سوءنیت هم در عبارات "استخدام به منظور ارتکاب" در قانون افغانستان و از فراز "وادار کردن به ... در قانون ایران؛ تشکیل دهنده عنصر معنوی و روانی جرم قاچاق مواد مخدر می باشد.

افراد بی مروت، سودجو و فرصت طلب؛ به خوبی آگاهند که به دلیل حالت ترحم‌زای کودکان محروم از محبت ناشی از طلاق و عدم مسئولیت کیفری و عدم تعقیب و بازداشت

آنان؛ شکار مناسب بوده و طعمه کم‌هزینه جز آنان وجود ندارد؛ لذا با ترفندهای محبت‌آمیز، اعتیاد، وعده و وعیدهای خلاب، فریبنده و شیرین ولی توخالی؛ اقدام به رام نمودن کودکان نموده و در راستای اهداف شوم و غیرانسانی‌شان بهره‌وری می‌کنند.

ج) استثمار کاری

یکی از مصادیق شایع سوءاستفاده از کودکان طلاق و بی‌سرپرست؛ استثمار اقتصادی و کاری آنان می‌باشد که وضعیت اسفناک آنان، دندان افراد طمع‌کار و گرگ‌صفت را تیز می‌کند تا درصد شکار این‌گونه کودکان آسیب‌پذیر و درعین‌حال مناسب برای برخی فعالیت‌های اقتصادی برآیند.

استثمارگران کاری و اقتصادی از این‌گونه کودکان، به‌خوبی آگاه‌اند که کودکان محبت‌نیده و محروم طلاق؛ مناسب‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و سودآورترین کارگران کوچک آنان را تشکیل می‌دهند و احیاناً در کارهای سنگین هم‌مین انگشتان کوچک کودکان کاری، گره‌های بزرگی را باز نموده و دستگاه‌های عظیمی را به حرکت درمی‌آورد؛ که از توان یک فرد بزرگسال و کارآموده - که توقع مزد کامل و احیاناً مضاعفی را هم دارد- بیرون می‌باشد؛ به دلیل اینکه کودکان کاری؛ به جهت کودکی، کوچکی و ضعف جسمی و حتی روحی‌شان؛ توان هیچ‌گونه منازعه، لفاظی و برخورد فیزیکی با کارفرمایان را ندارند.

هم‌چنین، در خرید و فروش بسیاری از کالاها در سطح شهر، مناسب‌ترین دست‌فروشان، کودکان می‌باشند؛ خصوصاً آن دسته از کودکانی که با تن خسته، چهره غمگین و صورت غبارآلود - که در مواردی از طریق گریم و رنگ مالی؛ وضعیت دل‌خراشی را در چهره معصومشان به وجود می‌آورند - جلب مشتری می‌کنند؛ که بسیاری مشتریان از روی ترحم و احساس نه بر اساس نیاز، اقدام به خرید می‌نمایند. در حالیکه منافع این معامله، به جیب افرادی سرازیر می‌شود که اقدام به سازمان‌دهی کاری و غیرقانونی این‌گونه کودکان می‌نمایند. علاوه بر اینکه برخورد پلیس در مناطق ممنوعه دست‌فروشی هم با کودکان، ترحم‌آمیزتر می‌باشد.

هم‌چنین کودکان کار برای خرید، فروش، پخش و قاچاق مواد ممنوعه هم مناسب‌ترین افراد می‌باشند؛ هم به دلیل رفع مسئولیت کیفری از آنان و هم به جهت همان حالت ضعف و ترحم‌آمیزی که منجر به برخورد عطفانه مسئولین و گروه‌های انتظامی خواهد شد.

فوت والدین، طلاق آنان، اعتیاد آن‌ها خصوصاً پدر، جدائی و دورافتادگی کودک از والدین، از مهم‌ترین عوامل روی آوردن کودکان به جای مانده از آنان؛ به‌سوی کسب، کار و فعالیت‌های اقتصادی به حساب می‌آید. خصوصاً در مواردی که کودکان به جای مانده از خانواده از هم‌پاشیده؛ به چندین تن برسند و از سوی هم‌نوعان، مؤسسات خیریه، متولیان امر و دولت اسلامی؛ مورد حمایت لازم و مناسب قرار نگیرند؛ در چنین صورتی مجبورند با مزد اندک، دست به کارهای سنگین و خطرناکی بزنند تا چرخ پنجر شده زندگی نیم‌جان‌شان را بگردش درآورند.

از منظر مقررات افغانستان، به کار گماریدن کودکان، باوجود دو شرط ذیل؛ جرم تلقی شده است: یکی اینکه گماردن به کار، به‌صورت اجباری صورت گرفته باشد. دیگر اینکه کار موردنظر، شاقه و طاقت‌فرسا باشد (قانون سرپرستی اطفال/ ماده ۲۱) بنائاً و باوجود این دو شرط، با عامل ولو والدین و سرپرستان کودک باشند، به‌عنوان مجرم، برخورد می‌شود به دلیل وجود و اتمام عناصر تشکیل‌دهنده جرم.

عنصر مادی: بر اساس ماده مذکور، عنصر مادی، کودکانی می‌باشند که از چاله بی‌خانمانی و خانواده بی‌مسئولیت؛ به چاه افرادی افتادند که از کودکان مظلوم، بی‌دفاع و ظریف این‌چینی؛ خواستار کارهای طاقت‌فرسا و مشقت‌آمیز می‌باشند.

عنصر روانی: اجبار به اعمال شاقه هست که بدون تردید با نیت و انگیزه خاصی اعمال می‌گردد.

قانون‌گذاران افغانستان به‌طورکلی مقرر داشته است که «تحمیل کار، بر اطفال جواز ندارد.» (همان) که ممکن است این تحمیل کاری، از ناحیه والدین و اولیاء اعمال شود (در مورد کودکان بد سرپرست) یا به‌مقتضای بی‌سرپرستی و توسط سرپرستان تعیین‌شده، در اختیار کارفرمایان، قرار داده شده و به استخدام کاری آنان به کار گرفته شوند.

قوانین مربوط به کار کودکان ایران بعد از انقلاب، حمایت کاری از کودکان کار، با معیار

بین‌المللی که سن ۱۸ ملاک می‌باشد، نزدیک شده و سن کار کودکان در کارهای عادی ۱۵ سال تعیین و مقرر شد که: «به کار گماردن افراد کمتر از پانزده سال تمام، ممنوع است» (منصور جهانگیر، قانون کار/ نشر دوران/ ۱۳۸۳/ ماده ۷۹) و در کارهای سنگین ۱۸ سال ملاک استخدام، قرار گرفت. (همان/ماده ۸۴)

د) سوءاستفاده جنسی

قوه و میل جنسی، از نعمت‌های آفریدگار و جزء خصائص ذاتی بشر بوده و مایه تکامل، بقا و ازدیاد نسل آنان می‌باشد؛ که متأسفانه امروزه برخی از جوامعی که به درجه بالایی از ترقی و توسعه اقتصادی هم رسیدند؛ از حیث مسائل جنسی، چنان راه حقارت و سقوط را می‌پیمایند که ارتباط بی‌قیدوبند دو جنس مخالف انسانی (زن و مرد)؛ بلکه جنس موافق انسانی (هم‌جنس‌بازی) و بچه‌بازی و حتی روابط جنسی انسان با غیر انسان، برایشان هضم شده است و با تمام توانشان به ترویج و توسعه قانونی این پدیده، می‌کوشند. این در حالی است که ادیان عموماً و دین مطهر اسلام به‌طور ویژه، نسبت به سازمان‌دهی این خصیصه ذاتی و سرنوشت‌ساز، اهتمام ورزیده و به بهره‌گیری میمون و مقدس از آن توصیه و تأکید ورزیده است؛ تا جایی که برای بهره‌گیری‌های نامشروع و خودسرانه، مجازات سنگین تا سرحد اعدام را تعیین کرده است.

بدون تردید، کودکان طلاق که ممکن است در قالب کودکان فراری، خیابانی، کار و... بروز کنند؛ از جهاتی در معرض سوءاستفاده قرار می‌گیرند؛ بدترین نوع بهره‌گیری سوء، از این‌گونه کودکان؛ سوءاستفاده جنسی می‌باشد؛ که این سوءبهره، گاهی با استفاده از نیازهای اقتصادی و مادی کودکان، بر آنان تحمیل می‌شود و گاهی هم صرف فراری، خیابانی، ولگردی و آوارگی و کمبود محبت و دوری از والدین و بازمانده از تحصیل؛ منجر به کشانده شدن آنان به این‌گونه بهره‌بری‌های غیرانسانی و غیراخلاقی با اشکال، صور و قالب‌های مختلف می‌گردد.

علی‌رغم اینکه این‌گونه کودکان، به دلایل بی‌سرنواهی، حیثیتی، گرسنگی، ناآگاهی، محدودیت و مجازات بعدی و... از گزارش سوءاستفاده‌های جنسی علیه‌شان؛ خودداری

می‌کنند؛ اما مع‌الأسف آمار بالایی از این نوع بهره‌گیری سوء، وجود دارد؛ و به‌طورکلی «خانواده متشنج و یا ازهم‌گسیخته، اختلالات روانی، بیکاری، بی‌سرپرستی و... ازجمله عوامل مؤثر در این نوع بزه‌دیدگی اطفال، محسوب می‌شود.» (جمال بیگی، بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران، ص ۲۰۵)

۱. صور سوءاستفاده

سوءاستفاده جنسی از کودکان آسیب‌پذیر، اعم از پسر و دختر، عادتاً به دو صورت اعمال می‌گردد:

یک) سوءاستفاده جنسی محض

سوءاستفاده جنسی محض و مستقیم (جرائم جنسی علیه اطفال) به این شکل خواهد بود که «مرتکبان هوس‌باز و شهوت‌ران، تحت تأثیر سنت‌های غلط و به‌منظور التذاذ جنسی بیشتر و کاهش ابتلا به بیماری‌های مقاربتی چون ایدز و مسائل دیگر؛ عمدتاً جهت ارضاء و اطفای شهوت خود، از اطفال، استفاده می‌نمایند.» (همان/ ۲۰۳) این نوع بهره‌بری جنسی، در قالب‌های همچون: لواط، تفخیز، تقبیل، بچه‌بازی، زنا، ازدواج زیر سن قانونی و... محقق می‌گردد.

دو) سوءاستفاده جنسی اقتصادی

نوعی دیگر از سوءاستفاده از کودکان، سوءاستفاده سودجویانه از کودکان اغفال‌شده می‌باشد که به ازای مبالغی شکل‌گرفته و به این طریق، در اختیار افراد، دسته‌ها و شبکه‌هایی حقیقی و مجازی قرار داده می‌شوند و از آنان بهره‌های جنسی در قالب‌های هرزه‌نگاری، فساد و فحشا و... برده می‌شود. در این میان عوامل بی‌سرپرستی و بدسرپرستی، نقش مؤثری در شکار کودکان دارد؛ برخی از حقوقدانان، معضلات «مثل فقر، بی‌سوادی، اعتقادات سنتی غلط، بی‌سرپرست بودن و... شرایط پایین زندگی، عدم‌کفایت تعلیم و تربیت، عدم فرصت‌هایی برای تفریح و...» (همان/ ۲۳۴) را از سلسله عوامل مؤثر در استثمار جنسی اطفال دانسته‌اند.

۲. قالب‌های سوءاستفاده جنسی

(یک) هرزه‌نگاری (pornography)

پورنوگرافی (تهیه نوشته‌ها و عکس‌های مبتذل از کودکان یا ارتکاب افعال ناشایست با آنان و به صورت کلی سوءاستفاده جنسی از کودکان) ممکن است در قالب‌های عکس، فیلم و مستند از رسانه‌های مدرن حقیقی و مجازی امروزی - به منظور جذب تماشاگران و حتی انحراف جنسی آنان - پخش و توزیع گردد؛ که در تمام این اقدامات نادرست، نقش درآمدزایی مالی قابل انکار نیست. اما نکته مهم و مرتبط با بحث اینجاست که به طور کلی «این اطفال معمولاً کسانی هستند که رابطه‌شان با والدین یا به طور کلی قطع شده یا بسیار ضعیف و اتفاقی است.» (سید محمد سید میرزایی/کودکان آسیب پذیر شهری، فصلنامه جمعیت/ش ۲۸ و ۲۷/س ۱۳۷۸) که کودکان طلاق یکی از مصادیق آن می‌باشد.

با مراجعه به منابع فقهی و مصادر حقوقی درمی‌یابیم که این‌گونه سوءاستفاده از کودکان، هم از حیث تعرض به کودکان، جرم و محرم، تلقی شده است و هم از جهت سوءاستفاده و مضرات جسمی و روحی این‌گونه اقدامات؛ نسبت به جامعه، والدین و کودکان؛ به عنوان عمل مجرمانه و شنیع دانسته و با این‌گونه اعمال، برخورد جدی و شدید اعمال شده است. حتی فقه اسلام در باب بوسیدن اطفال تأکید نمودند که «لا يجوز تقبيل الصبيان بالشهوة ولا يحلّ، بل ذلك محرم محظور.» (محمد بن منصور حلی (ابن ادریس)، أجوبة مسائل و رسائل فی مختلف فنون المعرفة/۱۴۲۹/۴۸۳) یعنی بوسیدن کودکان از روی شهوت، نه تنها جایز نیست بلکه حرام و ممنوع، می‌باشد.

تا اینجا

در جامعه بین‌الملل هم در سال ۲۰۰۰ م در باب حمایت از کودکان آسیب‌پذیر، پروتکلی در راستای جلوگیری از هرزه‌نگاری به تصویب رسید. ضمن اینکه ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک - که ایران و افغانستان جزء هم‌پیمانان آن می‌باشند؛ - در زمینه "حمایت از کودکان در برابر سوءاستفاده" تنظیم شده و مقرر داشته است که «حکومت‌ها با تکیه بر تمام امکانات

قانونی، اداری، اجتماعی و آموزشی، کودک را در مقابل هر شکل از رفتار سهل انگارانه با آن‌ها، سوءاستفاده جنسی و تجاوز جسمی یا روانی، حمایت می‌کنند.» (اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، مجموعه قوانین و مقررات خانواده/ ماه ۱۹) در ادامه، حکومت‌ها را به درمان آسیب وارده بر کودک و کمک به والدین و یا سرپرست (در مورد کودکان بی سرپرست و بد سرپرست) در رابطه با سوءاستفاده از کودکان؛ موظف ساخته است.

قانون مجازات ایران، به طور کلی مجازات از سه ماه تا یک سال حبس و جزای نقدی و تا ۷۴ ضربه شلاق و... را برای «هرکس [که] نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علائم، فیلم، نوار سینما و به طور کلی هر چیزی که عفت و اخلاق عمومی را جریحه دار نماید.» (هوشنگ شامبیانی، قانون مجازات اسلامی/ (۹۲) ۶۴۰) مقرر داشته است.

دو) ارتکاب فواحش

نوع دیگر از بهره‌برداری جنسی مجرمانه که جنبه اقتصادی برای سود جویان را هم در بردارد؛ بهره‌برداری از کودکان، در انجام فحشاء و شهوت‌رانی هست؛ حتی ممکن است این بهره‌برداری از ناحیه والدین یا سرپرستان قانونی هم صورت بگیرد. بدون تردید در فقه، عمل شنیع هم جنس‌بازی در هر قالبی حرام و جرم اعلام شده است: «یحرم تقبیل الغلام بشهوة و أنه يتبعه التعزیر.» (جواد تبریزی، أسس الحدود و التعزیرات/ ۱۴۱۷/ ۲۰۵) یعنی بوسیدن پسر بچه از روی شهوت، حرام و موجب تعزیر می‌باشد؛ و در خصوص عمل شنیع لواط، مجازات سنگین‌تر از زنا تعیین شده است آن‌هم به دلیل افحش بودن آن از زنا (علی شریف مرتضی، الانتصار فی انفرادات الإمامیه/ ۱۴۱۵/ ۵۱۲) بنائاً می‌توان گفت با توجه به اینکه این عمل، با کودکان که غالباً از روی عنف اعمال می‌گردد؛ به مراتب افحش خواهد بود از چنین عملی که بین دو فرد، با توافق شکل می‌گیرد؛ خصوصاً اگر از ناحیه سرپرستان تحمیل گردد. پس بدون تردید ارتکاب فواحش با این‌گونه کودکان هم بلااستثناء، مجازات سنگین را به دنبال دارد.

قانون جزای افغانستان هم ابتدا استفاده جنسی از عموم کودکان زیر هجده سال را در دو حالت تصویر کرده است:

یکی اینکه مشوق و محرک کودکان، بدون قصد رسیدن به منفعت، اقدام به این کار بنماید؛ در این صورت به حبس متوسط و بالای سه سال، محکوم می‌گردد.

دیگر اینکه اگر چنین اقدامی باهدف به دست آوردن منفعت، اعمال گردد، به حبس طویل کمتر از ده سال، محکوم می‌باشد؛ در ادامه، همین حبس طویل را در خصوص سوءاستفاده کنندگان جنسی از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست هم تعیین نموده و مقرر داشته است: «اگر مرتکب، از جمله اشخاص مندرج فقره ۲ ماده ۴۲۷ این قانون باشد [یعنی در صورتی که مرتکب از اقارب مجنی علیه تا درجه سوم باشد (که شامل اولیاء حتی والدین بدکردار هم می‌باشد = کودک بدسرپرست) یا کسی که به نحوی از انحاء، بالای کودک نفوذ و اختیار داشته باشد (که عموم سرپرستان و سرپرستان قانونی نسبت به کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست را هم دربرمی‌گیرد)] و... به حبس طویل که از ده سال تجاوز نکند محکوم می‌گردد.» (محمدحسین همتی، قانون جزاء و قانون اجرائات جزایی / ماده ۴۳۰) ناگفته نماند که تمامی این مجازات حبسی، مربوط به فردی یا افرادی هست که نقش مشوق و محرک را دارد یا کودکی را به منظور جلب منفعت، در اختیار افراد و باندهای خلاف‌کار، قرار می‌دهد؛ اما خود عاملین عمل مجرمانه، متناسب با عمل ارتكابی‌شان، مستوجب حد و تعزیر شرعی معین و قانونی می‌باشند.

ه) انتحار

متأسفانه یکی از موارد سوءاستفاده از کودکان که در دوره کنونی، در میان برخی از گروه‌ها و جمعیت‌های تروریستی باب شده است، استفاده از کودکان آواره و کارتون خواب و... برای حملات تروریستی انتحاری می‌باشد. این اقدام ضد انسانی در این زمانه قابل کتمان نیست و در گزارش‌های خبرنگاران و سایت‌های رسمی گوناگون آمده است. به‌عنوان مثال: «به گزارش شفقنا افغانستان؛ در خبرنامه ارسالی ریاست امنیت ملی به رسانه‌ها آمده، قرار بود این کودکان برای آموزش فعالیت تروریستی تحت افسانه آموختن علوم دینی، از ننگرهار به پاکستان انتقال داده شوند» (خبرگزاری شفقنا/ ۲۲ / میزان ۱۳۹۴)

کتابنامه

- قرآن کریم
اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، مجموعه قوانین و مقررات خانواده (متن کنوانسیون حقوق کودک)
جمال بیگی، بزه دیدگی اطفال در حقوق ایران، میزان، تهران، ۱۳۸۴.
جهانگیر منصور، قانون مدنی (ایران).
جواد تبریزی، أسس الحدود و التعزیرات، در یک جلد، دفتر مؤلف، قم - ایران، اول، ۱۴۱۷ق.
حمید عسکری پور، قوانین و مقررات مواد مخدر، مجلد، چ ۲، ۱۳۹۴، ص ۲۵، ماده ۳۵.
سایت شفا آنلاین، تاریخ انتشار: ۰۷: ۳۰ - ۲۳ بهمن ۱۳۹۴ - February 12 2016
سید محمد سید میرزایی، کودکان آسیب پذیر شهری، فصلنامه جمعیت، ش ۲۸ و ۲۷، س ۱۳۷۸.
علی شریف مرتضی، الانتصار فی انفرادات الإمامية، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۵ ه ق.
علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج ۱۵، ص ۸۶۹، واژه تکدی.
قانون مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر و کنترل آن (مصوبه ۱۳۸۸/۹/۳، نشر ۱۳۸۹/۳/۲۴ ش ۱۰۲۵)
لودیس گلد، سلامت روانی طلاق، مترجم: مجید رییس دانا، رشد، ۱۳۹۵، ص ۱۱۷
محمد بن منصور حلّی (ابن ادريس)، أجوبة مسائل و رسائل فی مختلف فنون المعرفة، دلیل ما، قم - ایران، اول، ۱۴۲۹ق.
محمد حسین همتی، قانون جزاء و قانون اجرائات جزایی.
محمد حسین بن علی نجفی کاشف الغطاء، وجیزة الأحكام، مؤسسه کاشف الغطاء، نجف اشرف - عراق، دوم، ۱۳۶۶ق.
منصور جهانگیر، قانون کار، نشر دوران، چ ۲، تهران، ۱۳۸۳.
نیو من گری NEUMAN. M. QARI، فرزندان طلاق از نوزاد تا هفده سال، مترجم: فرناز فرود، تهران، صابری، ۱۳۸۵.
هوشنگ شامبیانی، قانون مجازات اسلامی (۹۲).
وزارت عدلیه، قانون مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر و کنترل آن (مصوبه ۱۳۸۸/۹/۳، نشر ۱۳۸۹/۳/۲۴ ش ۱۰۲۵).

